



ترامپ، اتحادیه اروپا و سیاست ایران

اکنون که دونالد ترامپ زمام امور را به دست گرفته، شعارهای انتخاباتی‌اش که در سراسر جهان باعث اضطراب و عدم اطمینان شده بود، جای خود را به سیاست‌های واقعی رئیس‌جمهور داده است. با اینکه ترامپ در کارزارهای انتخاباتی، چندان به شرح و بسط برنامه سیاست خارجی خود نپرداخت، در چند مورد بسیار صریح و علنی صحبت کرد: علاوه بر نابود ساختن خلافت خودخوانده اسلامی (داعش) و رفتار جدی و سخت‌گیرانه با چین در تجارت، یکی از اولویت‌های اصلی «برچیدن توافق فاجعه بار با ایران» خواهد بود. ۴۷

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند.

بر این اساس مقاله : , , با عنوان فارسی ترامپ، اتحادیه اروپا و سیاست ایران؛ مسیرهای چندگانه پیش‌رو نوشته کورنلیوس ادبار () که توسط بنیاد صلح کارنگی منتشر شده‌است، به سفارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در اسفندماه ۱۳۹۵ ترجمه شده‌است.

کورنلیوس ادبار نویسنده مقاله ترجمه شده مذکور معتقد است بر اساس مواضع احتمالی دونالد ترامپ در قبال ایران و این فرض که ترامپ هم می‌تواند عمیقاً ایدئولوژیک و هم به شدت عملگرا باشد، چهار سناریوی سیاستی می‌توان متصور شد. یک رگه انزواطلبانه خصمانه نسبت به مهاجران و اسلام رادیکال، مشخصه ایدئولوژیک ترامپ است، در عین حال خصوصیت علم‌گرایانه، تاجری را نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور شده و اساساً می‌خواهد که ایالات متحده از تمامی روابطش منتفع شود. ما با دو ترامپ مواجه‌ایم:

الف) ترامپی که عملاً برای نظم جهانی به رهبری ایالات متحده اهمیتی قائل نیست؛

ب) ترامپی که دوست دارد از این نظم به عنوان یک دارایی قابل معامله برای کسب منافع (کوتاه مدت) کشورش استفاده کند.

بسته به اینکه کدام ترامپ در رابطه با ایران دست بالا را داشته باشد و مشاور اصلی او در این موضوع چه کسی باشد، این چهار سناریو محتمل هستند:

او توافق را پاره می‌کند.
او تلاش می‌کند که دوباره بر سر توافق مذاکره کند.
او سختگیرانه توافق را اجرا می‌کند.
او توافق را به این شرط می‌پذیرد که شرکت‌های ایالات متحده سهمی در بازار ایران به دست آورند.

نامزدهای ترامپ برای کابینه از همان اول تهدید ملموسی را متوجه برجام ساختند و دلیل آن هم تنها این نبود که این انتخاب‌ها برای کابینه در پاره کردن توافق هم‌نظر هستند، بلکه دیدگاه‌های متعارض آن‌ها درباره ایران، تدوین یک سیاست منسجم را دشوارتر می‌کند. البته مشخص نیست ترامپ که ظاهراً تصمیم مشخصی درباره توافق ایران نگرفته، به حرف چه کسی گوش خواهد کرد: ژنرال مایکل فلین [۱]، مشاور امنیت ملی‌اش که پیشینه‌ای از دهه‌ها مواضع ضد ایران دارد؛ ژانرال جیمز ماتیس [۲]، وزیر دفاع خود که از همان آغاز مخالف برجام بوده اما نسبت به پاره کردن آن هشدار می‌دهد؛ مایک پمپه [۳] نماینده کنگره که اندکی پیش از آنکه برای سمت ریاست آژانس مرکزی اطلاعات (سیا) در نظر گرفته شود، در توییت خود نوشت که مشتاق جمع کردن بساط این توافق فاجعه‌آمیز است؛ یا رکس تیلرسون [۴]، گزینه وزارت امور خارجه و مدیر ارشد اجرایی شرکت اکسان‌موبیل که علناً اظهار داشته کلاً از تحریم‌ها حمایت نمی‌کند و می‌تواند برجام را از چشم‌اندازی عملگرایانه‌تر، اگر نگوئیم با نگاه تجاری، مدیریت کند؟

با اینکه احتمال وقوع این چهار سناریو متفاوت است، بر اساس تمایلات ترامپ، همه گزینه‌ها محتمل هستند. چالش پیش روی اروپا در مقام هدایت‌گر چندین دهه روند دیپلماتیک با ایران - حفظ نتیجه مذاکرات در عین آماده شدن برای تمام این چهار گزینه است.

برای دریافت و مطالعه متن کامل این مقاله از لینک دانلود زیر استفاده کنید.

· [۲]

[۳]

[۴]